



از راست (برادر حسین خالقی-شهید حسین اسلیمی-مروجم حسین لطفی-ناشد-شهید علیرضا موحّد دانش فرمانده لشکر ۱۰ سیدالشهدا (ع)-ناشتاس)

فرازی از حماسه آفرینی‌های سردار شهید علیرضا موحّد دانش در خاطرات عابدین حیدرزاده، یکی از هم‌زمانش

فرمانده روزهای سخت جنگ

اسماعیل علوی
 دبیر گروه پایداری

بین فرماندهی جنگ و نخبگی، نسبتی مستقیم وجود دارد. چرا که لازمه فرماندهی مدیریت بحران، جسارت، عقلانیت، قاطعیت و خودباوری بوده و میان این عناصر با نخبگی نیز رابطه‌ای منطقی برقرار است. ۸۰ سال دفاع مقدس فرصتی برای راهپایانی استعدادهای درخشان به رده‌های فرماندهی درمیدان عمل بود تا با داشته‌های خود بر ظرفیت دفاعی کشور بیفزایند. سردار شهید علیرضا موحّد دانش یکی از بی‌شمار جوانان نخبه‌ای بود که با پشتوانه ایمانی راسخ و احساس مسئولیت به عرصه مدیریت و فرماندهی جنگ راه یافت تا از تمامیت ارضی کشور و امنیت ملی صیانت کند. ابتدا و تقریباً بیشتر از بقیه با جمعی محدود به کردستان رفت تا با جانفشانی، دشمن را از دستیابی به نیت شوم خود ناکام بگذارد. در این مقطع چون هنوز تجربه کافی نیندوخته بود از سرگیری ت و راد مردی با جمع هم‌راهان

به تپه‌های شریف آباد در مرکز شهر سنجند که در اختیار گروه‌های مسلح تجزیه طلب قرار داشت و ناامنی بخش وسیعی از شهر را رقم زده بود، یورش می‌برد و به رغم نفرات بسیار کم‌تر از نیروهای دشمن، آنجا را پس می‌گیرد. اما با روشن شدن هوا تجزیه طلبان، از ساختمان‌های مسلط بر آن تپه گروه علیرضا موحّد دانش را زیر آتش می‌گیرند تا جایی که ناچار می‌شود با تقدیم چند شهید موقعیت را ترک کند. علیرضا موحّد دانش از این واقعه درس بزرگی می‌گیرد و در طول حضور پر برکت خود در مناطق جنگی به‌کار می‌برد. او پس از دفع خطر گروهک‌ها و آرامش نسبی کردستان، با آغاز جنگ تحمیلی به رویارویی با ارتش بعث عراق می‌شتابد و بازی دراز را به‌عنوان اولین مقصد بر می‌گزیند. در عملیات آزادسازی ارتفاعات «بازی دراز» در کنار سایر دوستانش حماسه‌های ماندگاری را خلق و از

خود به یادگار می‌گذارد و در قامت فرماندهی قدر و هوشمند ظاهر می‌شود. در این عملیات با تجربیات ارزشمندی که اندوخته با کم‌ترین تلفات به پیروزی‌های بزرگی دست می‌یابد تا آنجا که شهید بهشتی در تجلیل از حماسه آفرینی‌های آنان می‌فرماید: «عرفان واقعی، خاتمه‌اش بازی دراز است.»

علیرضای ۲۴ ساله پس از درخشش در چهار عملیات پیروز، با حکم فرماندهی کل سپاه پاسداران به فرماندهی تیپ ۱۰ سیدالشهدا (ع) که بعدها لشکر شد منصوب می‌شود. هنگامی که دستور عملیاتی در شهر مندلی عراق به وی ابلاغ می‌شود، بعد از شناسایی منطقه به این نتیجه می‌رسد که این عملیات به پیروزی نخواهد انجامید، در نتیجه مخالفت خود را با اجرای عملیات به سلسله مراتب نظامی اعلام می‌کند. لکن رای و تصمیم فرماندهان عالی‌رتبه بر انجام عملیات است. از این رو

کل سپاه در به‌کارگیری شیوه‌های جنگی می‌شود که آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در خاطرات روزانه خود به آن اشاره دارد. سردار موحّد دانش پس از آن به‌عنوان یک نیروی عادی به جبهه می‌رود و سرانجام در ۱۳ مرداد ۱۳۶۲، در عملیات والفجر ۲ مورد اصابت تیر مستقیم دشمن قرار گرفته و به شهادت می‌رسد. علیرضا موحّد دانش در عملیات آزادسازی ارتفاعات بازی دراز، یک دست خود را از دست می‌دهد که شرح آن را همراه و هم‌زمش عابدین حیدرزاده در قالب خاطره نقل کرده است که از بی می‌آید.

■ در کمین دشمن

سیزدهم مرداد مصادف است با سالروز شهادت علیرضا موحّد دانش، اولین فرمانده تیپ ۱۰ سیدالشهدا (ع) که بعد از مدتی به لشکر ارتقا پیدا کرد. انسانی بزرگ و مصداق این جمله پیامبر اکرم (ص) که فرمود «در آخر زمان شهادت، خوبان امت مرا گلچین خواهد کرد.» با موحّد دانش، اوایل جنگ، وقتی که همراه به‌جهای گردان به سرپل ذهاب رفته بودیم، در عملیات بازی دراز آشنا شدم. در آن عملیات وی مسئول یکی از محورهای ادغامی با ارتش بود. آنجا او را فردی شاداب، رزیده و پرتلاش یافتم که بسیار سریع با سایر افراد ارتباط برقرار می‌کرد.

هدف از انجام عملیات بازی دراز، تصرف منطقه‌ای حساس بود که راه‌های قصر شیرین - سرپل ذهاب و گیلانغرب به پادگان ابوذر را آزاد و سرزمین‌های وسیعی را از دیدرس و آتش مؤثر دشمن دور می‌کرد. قرار بود عملیات از چند محور انجام گیرد اما مسئولیت محور اصلی یعنی ارتفاعات بازی دراز با شهیدان محسن وزوایی و علیرضا موحّد دانش بود. از ارتش هم سرهنگ شهید فتح‌اللهی و سرهنگ بدری مسئولیت داشتند. برآورد ما از توان دشمن نیرویی به استعداد یک لشکر بود. براساس قواعد نظامی نیروی «حمله‌کننده» بایستی سه برابر نیروی دفاعندی («ساکن») باشد تا عملیات به موفقیت دست یابد، اما نیروهای ما حتی یک سوم نیروی دشمن هم نبود. به دلیل برابر نبودن نیرو، کار در میانه راه گره خورد و محور ما از تأمین اهداف خود بازماندند. وقتی وضعیت به فرمانده اصلی، شهید غلامعلی یحیی («اعلام شد، وی تصمیم گرفت عملیات را متوقف کند. ولی به اصرار موحّد دانش، شهید محسن وزوایی و یکی دیگر از فرماندهان، عملیات ادامه یافت

و در ادامه عملیات، شهید موحّد دانش نقش بسیار چشمگیری ایفا کرد. در آن عملیات، من در گروه علی موحّد بودم. گروه ما هنگام طی مسیر از یک شیار برای رسیدن به خط اصلی، با گشتی‌های دشمن روبه‌رو شد. تک تیراندازان دشمن به شکل ضربدری همدیگر را پوشش می‌دادند و ما ناچار به تغییر مسیر شدیم. در ادامه به یک میدان مین برخوردیم که برای پشت سر گذاشتن آن باید از یک ارتفاع صخره‌ای عبور می‌کردیم. علی موحّد در آن لحظه برای رفتن به بالای صخره تقاضای طناب کرد، کسی نمی‌دانست طناب در این زمان از کجا باید پیدا کرد. در همین اثنا یکی از برادران که بعدها شهید شد به نام حسن توکلی که از ارتش به سپاه آمده و ما به شوخی تیمسار صدایش می‌کردیم، گفت: من طناب دارم. شهید موحّد دانش طناب را گرفت و به نقطه‌ای پرتاب کرد، پس از اتصال به سنگی خودش قبل از همه بالا رفت. این در حالی بود که آتش دشمن هر لحظه شدیدتر می‌شد. پس از رسیدن وی به بالای صخره به‌جهای دیگر هم بالا رفتند. وضعیت جدید موجب شد تا با تسلط بیشتری به مقابله با دشمن بپردازیم. با کمی پیشروی به نقطه‌ای رسیدیم که تک تیراندازان عراقی مانع حرکت ما شده بودند. با هدف قرار دادن سنگر آنان راه گشوده شد و با سرعت بیشتری جلو رفتیم و ارتفاع ۱۰۵۰ را فتح و دشمن را از آنجا بیرون کردیم. پس از آن به سمت ارتفاعات ۱۱۰۰ گنجی راه افتادیم، ولی با روشن شدن هوا، ضد حمله ارتش عراق هم شروع شد و بارانی از انواع گلوله و خمپاره بر سرمان باریدن گرفت به‌طوری که تا آن روز مشابه آن را کم‌تر دیده بودیم. در این مرحله با طبع سرعت مان کم وزمین گیر شدیم.

غروب آن روز، شهید موحّد دانش با سازماندهی مجدد نیروها، گروه خود را در بالای شیار می‌مستقر کرد. به‌جه‌ها خسته بودند و از بی‌خوابی در رنج، با وجود این به انتظار نیروهای تازه نفس دشمن نشستند. هوا گرگ و میش بود که صدای پیشروی افراد دشمن از طریق شیار می‌که ما در بالای آن به کمین نشسته بودیم به گوش رسید. تا اینکه عقبه عراق وقتی متوجه کمین ما و در تله افتادن نیروهای پاتک‌کننده خود شد شروع به آتشباری سنگین از زمین عراق خیلی اهمیت داشت تا آنجا که نفرات عراقی که در آن عملیات به اسارت نیروهای ما در آمدند، خبر دادند صدام شخصاً وارد منطقه

شده و فرماندهی را به عهده گرفته و ۳ لشکر را به منطقه فراخوانده است. به گزارش اسرای عراقی صدام دستور باز پس‌گیری تمام نقاط از دست داده را داده و برای کسانی که مقاومت نکرده بودند دادگاه صحرایی تشکیل داده بود. شهید موحّد دانش با آرایش مداوم نیروها و بسیار هوشمندانه هدایت عملیات را عهده دار بود. عملیات به جنگ تن به تن رسید طوری که طرفین به سوی یکدیگر نارتجک پرتاب می‌کردند. شهید موحّد دانش لحظه‌ای آرام و قرار نداشت و مدارم از این سو به آن سومی رفت و نیروها را هدایت می‌کرد. تا اینکه متوجه شدیم به محاصره نیروهای دشمن درآمده‌ایم. شهید موحّد دانش با شجاعت برخی از نارتجک‌ها را که به سوی به‌جه‌ها پرتاب می‌شد قبل از انفجار به سوی خود عراقی‌ها پرتاب می‌کرد. وقتی به اومی‌گفتیم: تا این حد به عراقی‌ها نزدیک نشو، ممکن است آسیب ببینی، با خنده و شوخی پاسخ ما را می‌داد. در نوبت آخر در حالی که کم‌تر از ۲۰ متر با دشمن فاصله داشت، وقتی می‌خواست نارتجک پرتاب شده را به سمت دشمن پرتاب کند، زمان کم آورد و نارتجک در دستش منفجر شد، به یک باره گرد و خاک زیادی به هوا برخاست و لحظه‌ای بعد چهره شهید موحّد دانش از میان آن نمایان شد. بلافاصله خودم را به اورساندم، احساس کردم حالت عادی ندار. یک لحظه دیدم دستش در شلوار است. خطاب به من گفت حواست به جلویابش. پرسیدم: چیزی شده؟ گفت نه! ولی من همچنان نگران بودم، اوکه متوجه کنجاوی من شده بود با اشاره به من فهماند تا جلو بروم. وقتی نزدیکش رفتم، آهسته گفت: نخ داری؟ گفتم نه! گفت: پس بند پوتینم را باز کن. در این هنگام متوجه شدم یک دست اوقع شده است، ازمن خواست تا به کسی بریدگی از چهره‌اش نمایان بود. هر لحظه تلفات ما بیشتر و فشار نیروهای دشمن افزایش می‌یافت و محاصره تنگ‌تر می‌شد. وضعیت دشواری پیش آمده بود، ساعتی بعد که تقریباً از همه جا قطع امید کرده بودیم به یک باره صدای تکبیر نیروهای خودی بلند شد و شهید احمد بابایی با آفرادش به کمک ما آمدند. با حضور آنان صحنه جنگ تغییر کرد و نیروهای عراقی با دادن تلفات مجبور به عقب نشینی شدند.

شهروند خبرنگارها

رسانه‌های نو، لحظات جمهوریت و قانون اساسی

نویسنده: بان کرم
مترجم: نادر قبلدای

انتشارات روزنامه ایران
منتشر کرد

جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن‌های ۸۸۵۲۸۸۹۲ و ۹۵ تماس یا به آدرس سهروردی شمالی خیابان خرمشهر پلاک ۱۶ مراجعه فرمایید. پست الکترونیکی: entesharatiran@gmail.com

شهروند خبرنگارها

رسانه‌های نو، لحظات جمهوریت و قانون اساسی

پروفسور بان کرم، استاد دانشگاه حقوق لیدر انگلستان، در این رساله درباره پدیده «شهروند خبرنگاری» از چشم‌انداز قانونی و قانون اساسی کاوش و تحقیق کرده است. این کتاب الگوهای پیش‌آمده ارتباطات را بین مجموعه جدید و متنوعی از سخنگوها و مخاطبانشان توصیف کرده و آنها را با هم، هم‌ارز می‌کند. «شهروند خبرنگاری» با آوردن مثال‌هایی از پرونده‌های حقوقی و جزایی در سال‌های استفاده از پدیده اینترنت و مقایسه آنها با پرونده‌های مرافعه سال‌های دور در ایالات متحده و اروپا، راه را برای مناظره سخنگوهای آن‌لاین و مرافعات سیاسی و دادگاه‌های جزایی آینده هموار کرده است. این کتاب شامل شش بخش: قانون اهانت، بیان بی‌نام و برخاشگر، افترای آن‌لاین، افشای اجباری منابع «خبرنگارها»، تحقیقات آن‌لاین خصوصی توسط اعضای هیأت منصفه و تحلیل کاربرد قوانین پیش از وب ۲ به سخنگوها و مجاری رسانه‌ای غیرسننتی می‌پردازد.

فراخوان عمومی جذب سرمایه‌گذار

بمنظور توسعه شیوه‌های تشویق سرمایه‌گذاری و مشارکت اشخاص حقیقی و حقوقی در طرح‌های توسعه و عمران شهری مصوب جلسه فوق‌العاده مورخه ۹۳/۳/۲۷ شورای محترم اسلامی شهر، شهرداری تبریز در نظر دارد اجرای پروژه‌های سرمایه‌گذاری و مشارکتی خود را بشرح ذیل به سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی واگذار نماید.

- **مجموعه‌های ساختمانی:** تجاری- خدماتی- اداری- رفاهی مسکونی
- **پروژه‌های حوزه حمل و نقل و ترافیک:** پارکینگ- پل‌های عابر مکانیزه- سیستم‌های نرم افزاری کنترل هوشمند حمل‌ونقل- جایگاه‌های سوخت- پایانه‌های حمل و نقل- ایستگاه‌های مترو- تله کابین- موتوریل- مترو باس- قطار سبک شهری
- **پروژه‌های گردشگری و فرهنگی:** گردشگری- هتل- سونیت- رستوران کافی شاپ- ورزشی- تفریحی- سالن سینما- آمفی‌تئاتر- زیباسازی
- **پروژه‌های خدمات شهری:** پسماند و زباله شهری- سرویس‌های بهداشتی- کارخانجات میلمان شهری- بازیافت- قیر- تولید اتوبوس- واگن سازی- نیروگاه‌های خورشیدی- بادی و CHP- میادین میوه و تره بار- پارک‌های شهری
- **پروژه‌های بهداشتی در مانی:** دهکده سلامت- بیمارستان
- **طرح‌های مرتبط با شهر هوشمند**
- **سایر طرح‌ها**

لذا شرکتها و سازمانها و اشخاص حقیقی و حقوقی که توان مالی و فنی لازم را داشته و اعلام آمادگی نمایند، می‌توانند سوابق کاری مالی و فنی خود را به مدیریت امور سرمایه‌گذاری و مشارکت شهرداری تبریز واقع در تبریز- بلوار علامه طباطبایی (چایکنار) ترسیده به شهرداری منطقه یک- باغ مناب تبریزی و یا از طریق ایمیل investment@tabriz.ir تسلیم و ارسال نمایند.

مدیریت امور سرمایه‌گذاری و مشارکت شهرداری تبریز

فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

"واگذاری خدمات نظافتی و نگهداری اردوگاه شهید عظیمی بابلسر"

سازمان بهزیستی کشور در نظر دارد مناقصه واگذاری خدمات نظافتی و نگهداری اردوگاه شهید عظیمی بابلسر را از طریق مناقصه عمومی یک مرحله‌ای انجام دهد. با عنایت به بارگذاری مدارک و مستندات مربوطه در سامانه تدارکات الکترونیک دولت، متقاضیان می‌توانند جهت دریافت اسناد مناقصه به مدت هر روز کاری از انتشار آخرین آگهی در جراید کثیرالانتشار به سامانه تدارکات الکترونیک دولت (ستاد) به آدرس اینترنتی www.setadiran.ir مراجعه و نسبت به دریافت اطلاعات و بارگذاری آن اقدام نمایند.

■ **نام و نشانی مناقصه‌گر:** سازمان بهزیستی کشور به آدرس ضلع شمالی پارک شهر - سازمان بهزیستی کشور.

■ **نوع و کیفیت کالا:** واگذاری خدمات نظافتی و نگهداری اردوگاه شهید عظیمی بابلسر.

■ **نوع و مبلغ تضمین:** ضمانتنامه بانکی به مبلغ ۱/۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال.

■ **محل برگزاری مناقصه:** ضلع شمالی پارک شهر - سازمان بهزیستی کشور - طبقه چهارم - معاونت توسعه مدیریت و منابع.

■ **زمان مناقصه:** از طریق سامانه تدارکات الکترونیک دولت به اطلاع متقاضیان خواهد رسید.

سازمان بهزیستی کشور

همچنین متقاضیان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۶۶۷۲۸۴۴۰ و ۶۶۷۶۰۸۲۷ تماس حاصل نمایند.

روابط عمومی و امور بین الملل سازمان بهزیستی کشور